

شهيد عبدالله حيدري



نام پدر	علی
تاریخ تولد	۱۳۴۶/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۷/۰۴/۰۴
محل شهادت	جفیر
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	سرباز زمینی ارتش
شغل	سرباز زمینی ارتش
تحصیلات	دوره راهنمایی
مدفن	چغادک

زندگینامه

زندگینامه شهید

وصیت نامه

بسمه تعالی

□ وصیت نامه شهید عبدالله حیدری □

در کجای دنیا دیده اید که کودکی از پستان مادرش بترسد ، پس شما چرا از شهادت می ترسید. □ امام خمینی □

بنام خداوند بخشنده مهربان

سپاس خدا را که مرا نعمت سلامتی عطا فرموده ، سپاس خدا را که در خانواده ای مذهبی بدنیا آمده ام ، سپاس خدا را که در سن جوانی با شور و هیجان انقلابی مردم مستضعف و مسلمانان ایران مواجه و از انحراف مصون ماندم سپاس خدا را که بینشی به من عطا کرد که اسلام را برگزینم و احکام آنان عمل نمایم و بار خدایا از تو میخواهم که گناهانم را ببخشی و مرا از لغزش های دنیائی مصون بداری و از تو میخواهم که از عمرم بگاهی و یک لحظه به عمر امام عزیز بیفزائی ، چون او به حق نائب امام زمان (عج) و حامی قرآن موسی ابن عمران و عیسی دوران بت شکن زمان میباشد. و او را برای ملل مستضعف در جهان تا انقلاب مهدی (عج) حفظ بفرما بار الها جوان بودم گناه کردم ، نعمت دادی ناسپاسی کردم ، سلامتی عطا □ کردی شکر نکردم ، قرآن و اسلام را فرستادی باز هم اطاعت نکردم ، رهبری دور اندیش و با تقوا فرستادی باز خواب بودم ، غفلت نمودم ، مردان پاک ، صالح و با تقوا را الگو قراردادی درس عبرت نگرفتم.

چند سخن با شما پدر و مادر عزیز و از جان عزیز مدارم ، نمیدانم چه بگویم ، زبانم قادر به گفتن نیست و قلم از نوشتن عاجز است. من در طول زندگی فرزند خوبی برای شما نبودم و آرزوهای شما را نتوانستم برآورده کنم و در طول زندگی آنقدر شما را آزرده که نمیتوانم پوزش بطلبم و فقط از خدای بزرگ برای شما اجر و پاداش خواهانم شما پدر و مادرم سعی کردید که در راه قرآن و اسلام تربیتم نمائید. پدر و مادر عزیزم همچون کوه در مقابل سختی ها استوار باشید که دشمن در مقابل استقامت شماست که به زانو در می آید. از پوشیدن لباس عزا خودداری کنید ، چون دشمن میخواهد شما را در عذاب ببیند ، از گریه کردن خودداری کنید ولی اگر خواستید گریه کنید و طاقت نیاوردید برای تمامی شهدا □ مخصوصا □ شهیدان کربلا گریه کنید. مباداد برای فرزند خود اشک بریزید ، بلکه باید خوشحال باشید.

سخنی دارم با برادرانم ، برادران عزیزم از شما خواهشمندم که برای من ناراحت نباشید . راه من راهی است که خداوند در قرآن می فرماید ، قبول کردم ، شما سعی کنید که گوش به حرفهای منافقین ندهید و همیشه گوش به حرفهای منافقین ندهید و همیشه گوش به فرمان امام باشید و مبادا اگر من شهادت نصیبم گردید ناراحت باشید ، خواهرانم را دلداری نمائید . سعی کنید نگذارید آنها ناراحت نباشید. به آنها بگوئید بروند با سربلندی زندگی کنند. که برادرشان اینک در راه قرآن شهادت را پذیرا شد و در خاتمه همه شما را به خداوند بزرگ می سپارم . از پدر و مادرم میخواهم که اگر من شهید شدم خیال نکنید که فرزند شما مرده ، بلکه همیشه زنده است. و در نزد خدای خود روزی میبرد . و هم اکنون میخواهم که به پدر و مادر و برادر و خواهرانم سفارش کنم که بعد از شهادت به جای گریه و اشک به کمک برادرانم در نبرد بشتابند و با کفر و بعثیون بجنگند ، این راه را ادامه دهند که انشاءاله به

یاری خداوند بزرگ و رهبری امام خمینی حق پیروز است. / انشاءاله

والسلام

۱۶/۴/۶۷



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران